امکان جمع حیثیات مختلف چند استحباب

شاگرد: ظاهر تأکّد استحباب این است که طولی می‌شوند، چرا شما عرضی را فرمودید؟ دو عنوان عرضی هم زمان استحباب دارد؛ عنوان شعبان و عنوان احتیاط.

استاد: تأکّد استحباب را برای آنکه مأنوس اذهانمان است، عرض می‌کنم. و الا این دقت‌ها را من قبول دارم. یعنی مواردی هست وقتی می‌گوییم تاکّد و لا تاکّد، بازگشتش به یک استحباب تابع است. قبلاً اینها را عرض کردم. استحباب تابعی دقیقاً به این معنا است. یعنی گاهی است که شما چند عنوان عرضی دارید، وقتی آنها با هم جمع می‌شوند، خوجی آن استحباب ضعیف است. اما وقتی این دو در جای دیگری با هم جمع می‌شوند، خوجی آن استحباب متاکد می‌شود. متاکد به این معنا نیست که یک استحباب است، یعنی چه بسا دو عنوان استحباب مانند اجتماع امر و نهی، با هم جمع شده‌اند.

شاگرد: ظاهر عبارت مفید هم همین است.

استاد: بله، خوجی آن موکد می‌شود. اینها خیلی فایده دارد. به فرمایش می‌رزای قمی ما یک جایی داریم که می‌بینیم ده تا استحباب بالفعل جمع است و هر کدام از آنها هم برای خودش احکام خودش را دارد. فقط می‌خواهد شما ببنای عینک اجتماع امر و نهی را حاکم کنید، آن وقت قشنگ می‌بینید هر سؤالی که از شما می‌کنند، سریع در فروعاتش جواب می‌دهید. چرا؟ چون شما آثار و احکام این ده عنوان استحباب را در فقه بلد هستید. تا بگویند فلان فرد، جواب می‌دهید. مانند نماز اعاده که عرض کردم. اگر بگوید من که به جماعت نماز بستهام، آیا مجاز هستم عمداً قطع کنم و بروم؟ یا چون نماز مستحب است، می‌توانم آن را قطع کنم؟ اگر شما بگویید این نماز ظهر است و فریضه است، حکم فریضه این است که نمی‌توانید قطع کنید. اما اگر بگویید که دارم نماز مستحبی می‌خوانم نزد شما مشکلی ندارد. چون الآن دو عنوان در عرض هم هستند که بالفعل شده‌اند، فریضه حکم خودش را دارد که عدم جواز قطع است، استحباب هم حکم خودش را دارد که این به دیگری سرایت نمی‌کند.

> 48:30

شاگرد: ما اجزاء را قبول داریم، یعنی درجایی‌که شک و شبهه هم نباشد، اجزاء را قبول داریم، لذا امام که «لا» را فرمودند به این دلیل بوده که می‌خواستند به فضای عمومی به حالت وسواس نیفتند و الا منافاتی ندارد که همین «وقف له» را برای جایی که ترس از وسواس نبود، بگویند.

استاد: یعنی بگویند اگر بیست و هشتم دیدی ولو روزه گرفته‌ای باید اعاده کنی.

شاگرد: نه، اینکه امام فرموده‌اند «لا شک و لاشبهه، فلا وقف» نیست .

استاد: یعنی اجازه نیست؟

شاگرد: نه، می‌خواهم بگویم اجازه هست، اما ما می‌دانیم «وقف» آن‌ها را به این سمت می‌برد که احتیاط کنند، اما خود احتیاط مراتبی دارد. یک مرتبه از آن این است که اگر عموم احتیاط کنند خوب است، الآن در روایت ابن خالد به این صورت است که عموم احتیاط نکنند. چون در جامعه حالت وسواسی پیدا می‌شود. اما در یک فضایی ممکن است امام علیه‌السلام همان «وقف له» را بگویند و حتی در جای «لاشک و لا شبهه» هم باشد.

استاد: آن حرف دیگری است. یعنی امام علیه‌السلام در یک مجال دیگری می‌توانند شبیه این کار را بکنند و بگویند «وقف» هست.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:30:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:31:14 توسط ... .